

ارزیابی تعلق مکانی و تأثیر متغیرهای جمعیت شناختی در محلات شهری بافت تاریخی گرگان

مژده رفیق^۱، عبدالمجید نورتقانی^{۲*}

^۱ کارشناسی ارشد معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری.

^۲ استادیار گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه گلستان.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۱

چکیده

توسعه تعلق مکانی یکی از راهکارها جهت کیفیت بخشی به محلات، به ویژه در بافت تاریخی است. به منظور اقدامات عملی ضرورت دارد با مشخص کردن وضعیت تعلق، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر آن مورد مطالعه قرار گیرد. هدف این پژوهش، ضمن ارزیابی تعلق مکانی با چهار بُعد دلبستگی به مکان، هویت مکان، وابستگی به مکان و ریشه‌داری در مکان و اولویت بندی این ابعاد در بافت تاریخی گرگان، ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر تعلق مکانی نیز است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و جامعه آماری ساکنان بافت یاد شده است که با روش نمونه گیری تصادفی ابتدا سه محله و سپس ۱۸۰ نمونه انتخاب شد. تحلیل داده‌ها با روش‌های آماری تحلیل واریانس یک طرفه یا آنوا، آزمون تی مستقل و تحلیل تعقیبی شفه صورت گرفت. اعتبار و پایایی پژوهش، نیز بر اساس ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. نتایج تحلیل ابعاد چهارگانه تعلق مکانی، حاکی از تأثیر بالای دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان، در ایجاد تعلق به محله‌ها است؛ در حالی که دو بُعد دیگر، یعنی هویت مکان و ریشه‌داری در مکان، در ایجاد تعلق مکانی تأثیر کمی دارند؛ بنابراین، بالا بودن میزان تعلق مکانی (با ارزش میانگین ۳۶/۴۳)، به دلیل بالا بودن دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان دارد؛ همچنین، تحلیل متغیرهای جمعیت شناختی از قبیل طول مدت اقامت، مالکیت و نوع مسکن (مستقل حیاط دار، آپارتمان) اثر مستقیم و معنادار این عوامل را بر تعلق مکانی و سه مؤلفه دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان و هویت مکان تأیید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تعلق مکانی، محله، دلبستگی به مکان، وابستگی به مکان، هویت مکان، ریشه‌داری در مکان.

مقدمه

به محیط و محله زندگی خود، حاصل ارتباط درونی، تصورات ذهنی، خصوصیات محیطی و مبانی فرهنگی و اعتقادی ساکنان آن بوده است. حس تعلق به محله از یک طرف ریشه در استمرار سکونت و تجربه‌های ذهنی افراد مانند وقایع، سنت، تاریخ، فرهنگ، اعتقادات و اجتماع دارد (پیربایی و سجاذاده، ۱۳۹۰: ۲۶)؛ به طوری که در مطالعات روانشناسی محیط، از آن به عنوان اصلی حیاتی یاد شده که همواره یکی از علائم و عوامل در ارزیابی ارتباط انسان-محیط و ایجاد محیط‌های باکیفیت قرار داده‌اند (Altman & Low, 1992)؛ جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰). از طرف دیگر این احساس، برگرفته از بسترهای عینی محیط مانند

در رابطه با موضوع مکان، مبانی و مفاهیم متعددی از قبیل تعلق به اجتماع، تعلق به مکان^۱، هویت مکان، وابستگی به مکان، حس مکان قابل بررسی است (Hidalgo & Hernandez, 2001). در این میان، تعلق به مکان از جمله مواردی است که از طرف پژوهشگران بسیاری مورد بررسی قرار گرفته و همواره به عنوان یکی از درجات و سطوح حس مکان از آن یاد می‌شود (جوان فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰؛ فلاح و نوحی، ۱۳۹۱؛ رضویان و همکاران، ۱۳۹۳). تعلق افراد

* نویسنده مسئول: a.nourtaghani@gu.ac.ir

نوع طراحی، سازمان محله، کالبد و... است (پیربابایی و سجادزاده، ۱۳۹۰: ۲۶) که با تأثیرگذاری بر میزان مشارکت اجتماعی در محله باعث تسریع و تسهیل در جریان توسعه محله‌ها می‌شود. از اینرو، حس تعلق در کنار عواملی همچون همبستگی اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در توسعه کالبدی و اجتماعی محله داشته باشد (نعیمی نظم آباد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۷). این امر در توسعه محلات تاریخی که تجربیات ذهنی ساکنان و بسترهای کالبدی محیط قدرت بالایی دارد، می‌تواند راهگشا باشد.

پژوهش‌های بسیاری پیرامون موضوع حس تعلق به محله صورت گرفته است؛ بخشی از این پژوهش‌ها به معرفی ابعاد یا مؤلفه‌های سازنده آن پرداخته‌اند که یک تا پنج مؤلفه برای آن برشمرده و تأکید بر بررسی چند مؤلفه‌ای تعلق دارند (Shabak et al., 2015; Raymound et al., 2010). برای مثال رنو اپیتس (Rena Upitis, 2007) با دسته‌بندی مؤلفه‌های حس تعلق به مکان با دسته‌بندی به عوامل کالبدی و عوامل اجتماعی به این نتیجه رسید که روابط بین اعضای جامعه، مردم و محیط با افزایش متغیرهای این عوامل به طور معنادار افزایش می‌یابد. در این پژوهش‌ها متغیرهای عوامل کالبدی چون امکانات و کیفیات محیطی، و در عوامل اجتماعی مدت سکونت، مالکیت، روابط اجتماعی از جمله متغیرهایی است که بیشتر تأکید شده است (Brown et al., 2003; Lewicka, 2011; Lewicka, 2005). ارزیابی تعلق مکان و تأثیر متغیرهای آنها در سطح محله‌های تاریخی در ایران از اواسط سده حاضر در شهرهایی که بافت تاریخی دارند، شکل عملی به خود گرفت. برای مثال (پیربابایی و سجادزاده، ۱۳۹۰؛ زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳)؛ اما با وجود اهمیت بالای ارزیابی چند مؤلفه‌ای در تعیین وضعیت تعلق، پژوهش‌های اندکی چند مؤلفه‌ای در این زمینه به‌ویژه بافت تاریخی یافت گردید. در صورتی که می‌توانست جهت سیاست‌گذاری‌های توسعه محلات تاریخی مؤثر باشد؛

بنابراین از یک سو، کمبود پژوهش‌های چندمؤلفه‌ای تعلق مکانی در کشور انکارناپذیر بوده

به‌طوری‌که اکثر تحقیقات یافت‌شده تعلق مکان را تک‌مؤلفه‌ای یا تقلیل یافته مورد مطالعه قرار دادند (به‌طور مثال: مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲؛ وارثی و همکاران، ۱۳۸۹؛ رهنما و رضوی، ۱۳۹۱؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۳)؛ و در پژوهش‌های اندکی (چون زنگنه و همکاران، ۱۳۹۳) چند مؤلفه‌ای ارزیابی شده است. در صورتی که جهت ایجاد مکان‌هایی باکیفیت، شناخت وضعیت تک‌تک این مؤلفه‌ها و بررسی دقیق آنها ضروری است. از سوی دیگر، با توجه به تحولات دهه‌های گذشته، بافت تاریخی شهرها دستخوش تغییرات گسترده چون مهاجرت ساکنان بومی و ورود افراد غیربومی شده که در نتیجه آن کیفیت این محلات رو به افول بود؛ اما تلاش‌های اخیر سیاست‌گذاران در راستای کیفیت‌بخشی به این بافت‌هاست. جهت حصول به این امر، ارتقاء تعلق مکانی ساکنان می‌تواند یکی از مهم‌ترین ضروریات باشد. از آنجایی که همت بالایی برای بهسازی و احیای بافت تاریخی گرگان در حال حاضر در کشور وجود دارد، بررسی میزان تعلق ساکنان محلات جهت حصول این اهداف اهمیت ویژه دارد؛ لذا لازم است عوامل مؤثر بر تعلق مکانی شناسایی شده تا به توان راهکارهای لازم جهت دستیابی به این هدف ارائه نمود. به همین دلایل این بافت برای نمونه بررسی این پژوهش انتخاب گردید. بنابراین هدف این پژوهش، ارزیابی میزان تعلق به مکان در بافت تاریخی گرگان است که با توجه به بررسی پیشینه صورت گرفته به‌صورت چهار مؤلفه‌ای متشکل از ابعاد وابستگی به مکان^۱، هویت مکان^۲، دلبستگی به مکان^۴ و ریشه‌داری در مکان^۵ لحاظ خواهد شد و وضعیت هر یک از مؤلفه‌ها و میزان تأثیرگذاری آنها در تعلق کلی ساکنان ارزیابی خواهد شد. همچنین رابطه میان مؤلفه‌های تعلق مکانی با متغیرهای مؤثر جمعیت‌شناختی (طول مدت اقامت، میل به ادامه زندگی، مالکیت و نوع مسکن) جهت تعیین اقدامات کالبدی در بافت از اهداف دیگر این پژوهش است؛ لذا پرسش‌های ذیل را جهت حصول به این اهداف ارائه نمود:

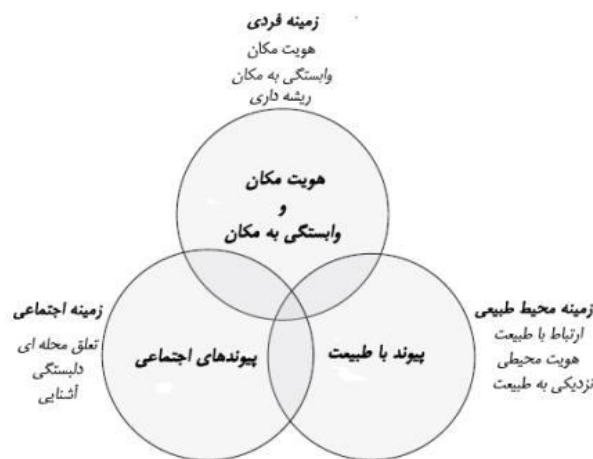
رویکرد اجتماعی بیان می‌کند، حس تعلق به محیط، برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی است که در محیط صورت می‌گیرد. در واقع، این محیط حاوی نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان با درک و رمزگشایی از آنها با محیط خود به تعامل می‌رسد (جوان‌فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۴).

روانشناسی محیط یک ترکیب سه‌جزئی از تعلق مکانی ارائه می‌دهد که شامل اجزاء "هم‌بومی"^۶، "ادراکی"^۷ و "احساسی"^۸ است. جزء ادراکی با باورها و درک اشخاص درباره یک مکان مرتبط است؛ جزء احساسی با هیجانات و عواطف فردی به مکان مرتبط است و جزء هم‌بومی شامل رفتارها و تعهدات شخص به مکان است (Shabak et al., 2015: 42). بر اساس پژوهش‌های دیگر و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تعلق مکانی یک ساختار تک‌بعدی تا چندبعدی را شامل می‌شود؛ به‌طور مثال، ویلیام^۹ و وسک^{۱۰} (۲۰۰۳)، دو بُعد هویت مکان و وابستگی به مکان را برای سنجش تعلق به مکان معین کردند. اسکائل^{۱۱} و گیفورد^{۱۲} (۲۰۱۰) نیز، این مؤلفه را در قالب مدل سه‌بعدی شخص-فرایند-مکان تعریف نمودند (شکل ۱).

- تعلق مکانی با ابعاد چهارگانه خود (دلبستگی به مکان، هویت مکانی، وابستگی به مکان و ریشه‌داری) در محدوده مورد مطالعه چه وضعیتی دارند؟
- ویژگی‌های جمعیت شناختی ساکنان (طول مدت اقامت، مالکیت و نوع مسکن) بر ابعاد تعلق مکانی چه تأثیری دارند؟

مبانی نظری

مفهوم حس تعلق به مکان: در تحقیقات بسیاری، تعلق مکانی به‌عنوان پیوندهایی که مردم میان خود و مکان‌ها برقرار می‌کنند تعریف شده است (Lewicka, 2008, 211). مکان‌ها و فضاها چیزی بیش از مکانی برای قرارگیری افراد، ساختمان‌ها و ... هستند؛ در واقع، مکان‌ها با تاریخ، خاطرات، هیجانات و معانی آمیخته شده‌اند (William & Vaske, 2003, 838). از دیدگاه پژوهش‌های (وحید و نگینی، ۱۳۹۱؛ Lalli, 1992) تعلق به مکان به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده هویت مکان تعریف می‌شود و در مقابل براساس تحقیقاتی چون (Raymond et al., 2010; Kyle et al., 2005)، هویت مکانی نیز می‌تواند یکی از اجزای سازنده تعلق به مکان باشد. بررسی حس تعلق از



شکل ۱: مدل سه‌قطبی و چهاربعدی تعلق مکانی (ماخذ: Raymond et al., 2010: 426)

(۲۰۱۵) در پنج بُعد آشنایی با مکان، دلبستگی به مکان، وابستگی به مکان، هویت مکان و ریشه‌داری در مکان، سنجیده‌اند؛ هر یک از این ابعاد دارای مفهومی

رامکیسون^{۱۳} و ماووندا^{۱۴} (۲۰۱۵) در چهار بُعد وابستگی به مکان، هویت مکان، احساس به مکان و پیوندهای اجتماعی با مکان؛ و شابک و همکاران

افراد برای نگهداری و محافظت از مکان، حتی حاضرند که آزادی و شکوفایی خویش را فدا کنند (Shabak et al., 2015: 42).

علاوه بر این، حس تعلق به مکان، در مقیاس‌های فضایی مختلفی (مانند شهر، محله، ناحیه و خانه یا آپارتمان) مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور مثال: هیدالگو^{۱۴} و هرناندز^{۱۵} (۲۰۰۱)، سه طیف فضایی (خانه، محله و شهر) را مورد بررسی قرار دادند که بر اساس نتایج پژوهش، تعلق به شهر و خانه تقریباً به یک اندازه و تعلق به محله به‌طور چشمگیری کمتر از این دو مشاهده شد. لویکا^{۱۶} (۲۰۱۰)، نیز به پژوهش پیرامون رابطه ۵ مقیاس مکان شامل (شهر، محله، ناحیه و خانه یا آپارتمان) با تعلق مکانی پرداخت که در نتیجه این تحقیق میزان تعلق به خانه، محله و ناحیه به ترتیب بیشترین مقدار را به خود اختصاص دادند. مردم به همه این مکان‌ها احساس تعلق دارند ولی این احساس تعلق، به یک اندازه نیست؛ در مجموع می‌توان گفت، مقیاس مکان در میزان تعلق مکانی افراد مؤثر است.

عوامل مؤثر بر ایجاد و تقویت حس تعلق به

مکان: عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق به مکان را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود که شامل ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و مشخصات آماری نمونه است (Lewika, 2011: 216). تعدادی از ویژگی‌های کالبدی مورد بررسی قرار گرفته در پژوهش‌های پیشین شامل ویژگی‌های فضاهای باز و کیفیت محیط مسکونی نظیر فضاهای سبز، فضاهای معماری ساخته دست انسان، خدمات محله‌ای مناسب است (Javan Forozande & Motallebi, 2012). امنیت (Ferreira et al., 2016)، مشکینی و همکاران، (۱۳۹۳)، شرکت در فعالیت‌های محلی و جمعی (Javan Forozande & Motallebi, 2010; Rollero & Piccoli, 2012)، نیز برخی از عوامل اجتماعی بررسی شده در تحقیقات پیشین است. در پژوهش‌های بسیاری به بررسی رابطه بین تعلق به مکان و مشخصه‌هایی از قبیل سن، جنسیت، طول مدت اقامت و مالکیت مسکن پرداخته شده است؛ در این میان طول مدت اقامت، همواره به‌عنوان مهمترین

خاص و منحصربه‌فرد است. **آشنایی با مکان:** آشنایی با مکان به‌عنوان آگاهی و شناخت از محیط پیرامون بدون داشتن احساس یا ارتباط عاطفی با آن مکان مطرح می‌گردد (Shabak et al., 2015: 42). **دلبستگی به مکان:** در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵). دلبستگی به مکان، زمانی رخ می‌دهد که فرد نه‌تنها نمادهای مرتبط با مکان را بازشناسی می‌کند، بلکه به این نمادها احترام می‌گذارد و یک ارتباط عاطفی با مکان برقرار می‌کند (Shabak et al., 2015: 42). **وابستگی به مکان:** این سطح شامل ارتباط عملکردی بر اساس ارتباط کالبدی فرد با محیط است که اهمیت مکان را در فراهم کردن ویژگی‌ها و شرایطی که از اهداف خاص و فعالیت‌های مطلوب حمایت می‌کند، منعکس می‌کند؛ (Raymound et al., 2010: 426). درواقع، وابستگی به مکان به ارتباط قوی بین یک شخص با مکانی خاص اشاره دارد که در این ارتباط، کیفیت آن مکان و کیفیت مکان‌های جایگزین با آن مکان قابل مقایسه است. کیفیت کالبدی و عملکردی مکان، بر میزان وابستگی و تعلق به مکان به‌عنوان بستری برای فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی تأثیر بسزایی دارد (Ujang, 2012: 158). **هویت مکانی:** این سطح دربرگیرنده ترکیبی از احساسات خاص درباره محیط‌های کالبدی و ارتباطات نمادین با مکانی که تعریف می‌کند که ما که هستیم (Raymound et al., 2010: 426). **پیوندهای اجتماعی با مکان:** این سطح شامل میل افراد به عضویت در یک گروه مانند گروه دوستان و خانواده و همچنین ارتباطات عاطفی بر اساس تاریخ، علایق و نگرانی‌های مشترک است (Raymound et al., 2010: 426). **ریشه‌داری در مکان:** این سطح از تعلق مکانی زمانی رخ می‌دهد که فرد نقش تأثیرگذاری در محیط پیرامون خود ایفا کند و در جهت نگهداری از مکان سرمایه‌گذاری کند. این سطح شناسایی می‌شود به‌واسطه تعهد فرد به مکان خویش. به این معنی که

که در آن، N : حجم جامعه؛ z : ۱٫۹۶؛ $p=q=0.5$ ؛ d : احتمال خطای اندازه‌گیری است که معمولاً بین ۰٫۰۸ و ۰٫۰۱ متغیر است و محقق بسته به این که تمایل به انتخاب اندازه نمونه کم یا زیاد داشته باشد، مقدار d را تغییر می‌دهد.

$$\frac{1140 \times (1.96 \times 0.5)^2}{1140 \times (0.07)^2 + (1.96 \times 0.5)^2} = 160$$

لازم به ذکر است جمعیت محدوده مورد مطالعه ۳۸۶۰ است و به هر واحد مسکونی فقط یک پرسش‌نامه داده شده؛ به این ترتیب، از تقسیم جمعیت بر بعد خانوار (۳٫۵) (براساس جدول ۲) حجم نمونه به دست می‌آید که برابر با ۱۱۴۰ است. بالا بودن میزان پرسش‌نامه‌های باطله، به دلیل عدم همکاری ساکنان به دلیل نگرانی از مسائلی از قبیل تصرف توسط سازمان‌ها و ارگان‌های مربوطه است که نشان از عدم اعتماد آنها دارد؛ همچنین، به دلیل پیش‌بینی این مسئله با توجه به پژوهش‌های پیشین، بنا بود تعداد بیشتری پرسش‌نامه برابر با ۱۸۰ نمونه در نظر گرفته شود تا جبران‌کننده احتمالی این تعداد باشد.

شیوه تحلیل داده‌ها: تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss (نگارش ۲۱) و به‌کارگیری روش‌های آماری چون تحلیل واریانس یک‌طرفه یا آنوا، آزمون تی مستقل و تحلیل تعقیبی شفه صورت گرفت. برای بررسی روایی پرسش‌ها، ابتدا ۲۱ نمونه به‌صورت آزمایشی در سطح سه محله توزیع و جمع‌آوری شد. مقدار آلفای کرونباخ برای پرسش‌های کیفی اولیه سنجیده شد و در نهایت پرسش‌هایی که مقدار آلفای کرونباخ آنها کمتر از ۰/۷ باشد حذف شدند و این مقدار در پرسش‌های پژوهش اعدادی بین ۰/۷۵ الی ۰/۹ را نشان می‌دهد که حاکی از پایایی پژوهش است. بر اساس مدل به کار گرفته شده، سنجش میزان تعلق مکانی، با ۴ بُعد و ۱۲ گویه انجام شد که برای سنجش وابستگی به مکان و دل‌بستگی به مکان، هر کدام ۴ گویه و برای سنجش هویت مکان و ریشه‌داری در مکان هر کدام ۲ گویه تنظیم گردید (شکل ۲ و جدول ۱).

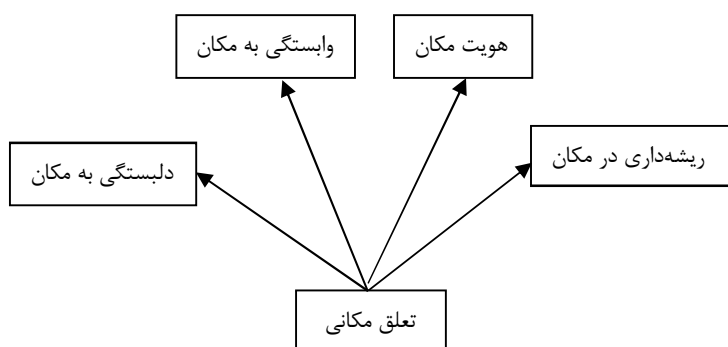
مؤلفه تأثیرگذار بر تعلق افراد به مکانی خاص شناخته می‌شود. به‌عنوان نمونه، تئودوری^{۱۷} (۲۰۰۴)، مشکینی و همکاران (۱۳۹۲)، ریموند و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش‌های خود به روابط معنادار مثبت بین این دو مؤلفه دست یافتند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت با افزایش طول مدت اقامت، تعلق افراد به مکان نیز افزایش می‌یابد و برعکس. پژوهشگران دیگر، مالکیت خانه (Bolan, 1997) را نیز در تقویت حس تعلق به مکان مؤثر دانسته‌اند. سن و جنسیت نیز در پاره‌ای از موارد نقش مثبت و در پاره‌ای دیگر، نقش منفی در ایجاد حس تعلق به مکان دارند (Hidalgo & Hernandez, 2001; Brown et al., 2003; Lewicka, 2005; Lewika, 2011).

روش تحقیق

نوع تحقیق، توصیفی تحلیلی و روش تحقیق پیمایشی است. در این پژوهش از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بهره گرفته شده است. ابزار اصلی مورد استفاده در روش میدانی پرسش‌نامه است که به سنجش شاخص‌های حس تعلق به مکان (وابستگی به مکان، هویت مکان، ریشه‌داری در مکان و حس دل‌بستگی به مکان) به‌صورت پرسش‌های بسته پاسخ می‌پردازد. این پرسش‌نامه شامل دو بخش است که بخش اول ویژگی‌های آماری نمونه مورد مطالعه و بخش دوم مؤلفه‌های تعلق مکانی است و در مقیاس لیکرت با چهار گزینه (کاملاً مخالفم: ۱، مخالفم: ۲، موافقم: ۳ و کاملاً موافقم: ۴) تنظیم گشته است.

جامعه آماری، والدین خانوارهای ساکن در بافت تاریخی گرگان است. روش نمونه‌گیری تصادفی است؛ به این صورت که ابتدا سه محله به‌صورت تصادفی انتخاب شدند، در ادامه صد و هشتاد پرسش‌نامه شامل شصت نمونه در محله سرچشمه، شصت نمونه در سبزه مشهد و شصت نمونه در محله درب نو به‌صورت کاملاً تصادفی توزیع شد که در نهایت ۱۳۷ پرسش‌نامه دریافت گردید. روش برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به‌صورت زیر است:

$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2pq+z^2pq}$$



شکل ۲: مدل ارزیابی تعلق مکانی در محله (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱: ابعاد تعلق به مکانی مربوط به عملیاتی کردن متغیرها

منبع	سنجه	ابعاد تعلق به مکانی
(Shabak et al., 2015:46)	تا چه میزان محله‌تان را دوست دارید: تا چه میزان محله را مانند خانه خود می‌دانید: من از قدم زدن در محله لذت می‌برم. من از زندگی در این محله لذت می‌برم.	دلبستگی به مکان (علاقه به مکان به‌عنوان بخشی از زندگی)
(Raymound et al., 2010,427; William & Vaske, 2003)	من احساس می‌کنم این محله بخشی از من است. تا چه میزان ظرفیت‌ها و دارایی‌های موجود در محله (قابلیت‌ها، اشخاص، نمادها، باورهای محلی) برای شما اهمیت دارد؟	هویت مکانی (احساس خاص به مکان)
(Shabak et al., 2015, 46; Raymound, et al., 2010, 427; William & Vaske, 2003)	تا چه حد دوست دارید محله‌تان را تغییر دهید: من نسبت به این محله خیلی احساس وابستگی می‌کنم. تا چه حد این محله را به سایر محله‌ها ترجیح می‌دهید؟ از دیدگاه شما تا چه میزان این محله ویژگی‌های یک مکان مطلوب برای سکونت را دارد؟	وابستگی به مکان
(Shabak et al, 2015:46)	من در حفظ و نگهداری از نگاه‌داری از فضاهای عمومی در محله مشارکت می‌کنم. من در مقابل محله احساس مسئولیت می‌کنم.	ریشه‌داری (نگرانی درباره مکان-تمیز نگه‌داشتن مکان)

مذهبی شهر نیز در همین محله‌ها قرار دارند. در تقسیمات شهری در سال ۱۳۸۵، گرگان به ۵۲ محله اصلی و تعدادی محله فرعی تقسیم شده است. محدوده مورد مطالعه یکی از این محلات اصلی را تشکیل می‌دهد. این محدوده با مساحت ۴۶/۳۸ هکتار، ۳۸۶۰ نفر جمعیت شامل ۱۹۴۱ مرد و ۱۹۱۹ زن را در خود جای داده است. بررسی نرخ اشتغال انجام شده پیرامون محلات، نشان‌دهنده بیشترین درصد بیکاران در این محدوده نسبت به جمعیت ساکن (۶/۵۳) است که حاکی از وضعیت اقتصادی نامناسب است. هرچند، بررسی پراکنش کاربری‌های مذهبی، حاکی از وضعیت سرانه مناسب این محدوده

محدوده و قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه بخشی از تاریخی گرگان است که شامل سه محله سرچشمه، سبزه مشهد و درب نو در بافت تاریخی گرگان است. شهر گرگان، به دلیل قدمت و بناهای تاریخی به‌منزله یک شهر بااهمیت میراث فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. بافت تاریخی این شهر با مساحتی بالغ بر ۱۵۰ هکتار سومین بافت باارزش و دارای سبک معماری پس از یزد و اصفهان، وسیع‌ترین بافت تاریخی شمال ایران است و در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در فهرست میراث ملی ایران به ثبت رسیده است (شکل ۳). اکثر مساجد و تمام تکایای قدیمی و معابد و زیارتگاه‌ها و مکان

نامنظم که در جهت شمالی آن مصلا قرار گرفته است و به همین دلیل هم بعضی از مردم به آن «محوطه مصلا» می‌گویند. ویژگی بارز این محله نزدیکی به امامزاده نور بوده و از محلاتی است که در آن نوسازی کمتری اتفاق افتاده است.

سازمان فضایی شهر در گذشته بیانگر توزیع و ترکیب متناسبی از تعداد جمعیت و نحوه استقرار آنها در فضاهای مسکونی در قالب محلات و گذرهای متعدد و فضاهای خدماتی در مقیاس محلی، شهری و منطقه‌ای است که از طریق شبکه‌های ارتباطی مجموعه پیوسته‌ای را شکل داده که تمامی عناصر آن جوابگوی نیازهای واقعی و طبیعی زمان خود بوده‌اند. ویژگی‌های کالبدی بافت نشان‌دهنده تشکیل هم‌جواری‌ها به‌گونه ارگانیک و خودرو، تشکیل توده‌ها در ارتباط با امتداد منظم خیابان، انطباق شبکه‌های اصلی معابر در راستای شمالی جنوبی و فرعی‌ها در راستای شرقی غربی و جهت کوچه‌ها عمدتاً شمال شرقی جنوب غربی است. بررسی واحدهای همسایگی و تعداد واحد در گروه مسکن در محله‌ها نشان از بن‌بست بودن اغلب کوچه‌ها دارد و تعداد واحد در گروه‌های مسکن بین ۴ الی ۹ واحد متغیر است. مسئله دیگر، نوع گونه مسکن است که شامل مسکن مستقل حیاط دار، خانه‌های دوطبقه است که به دلیل وجود بستر ارزشمند تاریخی، ساخت مسکن بیش از سه طبقه، ممنوع است.

در مقایسه با سایر محلات شهر است؛ که دلیل آن وجود امامزاده نور، مسجد جامع گرگان و تکایا است.

محله درب نو: محله درب نو در میان محلات نعلبندان در مرکز، دوشنبه‌ای در شمال و میدان عباسعلی در غرب قرار گرفته است. محدوده محله درب نو در گذشته بسیار بزرگ‌تر از وضع کنونی آن بوده و با ساخت خیابان امام خمینی (ره) این محله به دو نیم تقسیم شده است. بخش جنوبی آن به تدریج هویت خود را به‌عنوان محله درب نو از دست داد. مرکز محله درب نو که همانند بسیاری از مراکز محلات گرگان، فضای باز درونی تکیه یا میدانگاه مرکزی تکایاست، علاوه‌براین که از دیدگاه مذهبی و اقتصادی دارای ارزش است، به لحاظ اجتماعی و مدنی نیز ارزش بالایی برای ساکنان محله دارد.

محله سبزه مشهد: یکی از سه محله اصلی گرگان است. این محله به لحاظ جغرافیایی در مکانی قرار گرفته که از چهار طرف با یک راه مستقیم به چهار محله قدیمی می‌رسد. در غرب آن محله میر کریم، در شرق آن محله سرپیر، در شمال آن محله دباغان و در جنوب آن محله سرچشمه واقع شده است. تمامی این محلات به‌جز میرکریم از محلات فرعی سبزه مشهد است.

محله سرچشمه: این محله یکی از ارزشمندترین محلات بافت قدیم گرگان و از محلات فرعی محله سبزه مشهد است. مرکز محله سرچشمه برخلاف سایر محلات بافت قدیم گرگان، میدانگاهی است با پلانی



شکل ۳: محدوده مورد مطالعه در بافت تاریخی گرگان

یافته‌های تحقیق

محلّه سرچشمه، ۴۶ در سبزه مشهد و ۴۴ نمونه در محلّه درب نو است که نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها در جدول (۲) قابل مشاهده است.

یافته‌های توصیفی: در پژوهش پیشرو، تعداد افراد مورد مطالعه در مجموع ۱۳۷ نفر شامل: ۴۷ نمونه در

جدول ۲: مشخصات آماری نمونه مورد مطالعه، منبع: یافته‌های نگارندگان

مشخصات آماری	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۱۱۹
	مرد	۱۸
سن	۴۰-۲۸	۵۹
	۵۰-۴۱	۱۸
	۶۰-۵۱	۳۰
	۷۰-۶۱	۱۹
مالکیت	مالک	۱۰۱
	مستأجر	۳۶
نوع مسکن	مستقل حیاط دار	۱۰۴
	آپارتمان	۳۳
طول مدت اقامت	کمتر از ۵ سال	۲۵
	۵ تا ۱۵ سال	۲۶
	۱۵ تا ۲۵ سال	۲۳
	۲۵ سال به بالا	۶۳
بعد خانوار	۱ نفره	۱۴
	۲ نفره	۲۰
	۳ نفره	۴۵
	۴ نفره	۳۲
	۵ نفره	۶
	۶ نفره	۸
	۷ نفر به بالا	۹

در محلّه سبزه مشهد، میانگین سنی افراد نمونه ۵۰/۱۲ سال، بُعد خانوار ۳/۹۳ است؛ همچنین ۷۱/۷ درصد ساکنان مالک و ۸۴/۸ درصد ساکنان در خانه‌های مستقل حیاطدار و ۱۵/۲ درصد در آپارتمان‌ها ساکن هستند. ارزش میانگین تعلق مکانی نیز، ۳۶/۴۳ است. در محلّه درب نو، میانگین سنی افراد، ۵۱/۱ سال است و بُعد خانوار عدد ۳/۲۵ را نشان می‌دهد. ۷۹/۵ درصد از افراد نمونه، مالک و ۵۹/۱ درصد افراد، در خانه‌های مستقل حیاط دار ساکن هستند. ارزش میانگین تعلق مکانی در این محلّه ۳۵/۶۷ است.

براساس جدول (۲)، بیش از ۴۵ درصد ساکنان، برای مدت بیش از ۲۵ سال در سه محلّه اقامت دارند و بیش از ۴۷ درصد ساکنان، علاقه به اقامت طولانی مدت (بیش از ۲۵ سال) در سه محلّه دارند. همچنین، نتایج پرسش‌نامه به تفکیک سه محلّه نشان می‌دهد، در محلّه سرچشمه میانگین سنی افراد نمونه ۵۶/۱۹ سال، بُعد خانوار ۳/۱۶، ۷۰/۲ درصد ساکنان مالک ۲۹/۸ درصد مستأجر است؛ همچنین ۸۳ درصد خانه‌ها مستقل حیاط دار و ۱۷ درصد آپارتمانی هستند. ارزش میانگین تعلق مکانی، عدد ۳۵/۹۳ را نشان می‌دهد.

ریشه‌داری) در محدوده مورد مطالعه چه وضعیتی دارند؟

در میان ۴ مؤلفه مورد سنجش، تعلق مکانی در سه محله نام‌برده، دلبستگی به محله و وابستگی به محله به ترتیب دارای ارزش میانگین بالاتری نسبت به دو بُعد دیگر یعنی هویت مکان و ریشه‌داری در مکان، بوده‌اند. به این صورت که در محله سرچشمه، هویت مکانی و ریشه‌داری در مکان، به ترتیب جایگاه سوم و چهارم را به خود اختصاص داده‌اند. در محله درب نو، این نسبت تقریباً برابر ولی ترتیب قرارگیری دو شاخص، عکس بود و در محله سبزه مشهد این دو شاخص دارای میانگین برابر هستند (جدول ۳).

از مقایسه بین سه محله می‌توان دریافت، تعلق مکانی در محله سبزه مشهد با ارزش میانگین ۳۶/۴۳ از دو محله دیگر بیشتر است. میانگین سنی، در محله سرچشمه بیشترین و در محله سبزه مشهد، کمترین میزان را داراست. میانگین طول مدت اقامت نیز، در محله سبزه مشهد بیشترین و در محله درب نو کمترین میزان را دارد؛ همچنین میل به ادامه زندگی افراد در محله سبزه مشهد از دو محله دیگر بیشتر است.

یافته‌های تحلیلی

پرسش نخست: تعلق مکانی با ابعاد چهارگانه (دلبستگی به مکان، هویت مکانی، وابستگی به مکان و

جدول ۳: توزیع فراوانی میانگین ابعاد تعلق مکانی سه محله در افراد نمونه، منبع: یافته‌های نگارندگان

متغیر محله	تعلق مکانی	دلبستگی به مکان	هویت مکانی	وابستگی به مکان	ریشه‌داری
سرچشمه	۳۵/۹۳	۱۲،۴۷	۶،۴۲	۱۰،۸۶	۶،۱۲
سبزه مشهد	۳۶/۴۳	۱۲،۳	۶،۳	۱۱،۳	۶،۳
درب نو	۳۵/۶۷	۱۲،۵	۶،۰۶	۱۰،۶	۶،۴

تمهیداتی در راستای تأمین کمبودها و حفظ این سرمایه همت گمارده شود.

پرسش دوم: ویژگی‌های جمعیت شناختی ساکنان (طول مدت اقامت، مالکیت و نوع مسکن) بر ابعاد تعلق مکانی چه تأثیری دارند؟

آزمون‌های به کاررفته در این مرحله، شامل ترکیبی از آزمون‌های تی مستقل و آنوا است. برای بررسی و مقایسه ابعاد تعلق مکانی با توجه به نوع مالکیت از آزمون تی مستقل استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول (۵) مشخص است، تفاوت معناداری تا سطح ۹۹٪ برای دو جامعه از نظر نوع مالکیت مسکن (مالک و استیجاری) در ایجاد تعلق مکانی وجود دارد و تنها در متغیر ریشه‌داری از شاخص‌های تعلق مکانی، تفاوتی در نوع مالکیت نداشته و از این لحاظ در سطح یکسانی قرار دارند. برای بررسی و مقایسه تعلق مکانی از نظر نوع مسکن نیز همانند مورد قبلی از آزمون تی

آزمون به کاررفته جهت بررسی ابعاد چهارگانه در سه محله، تحلیل واریانس یک‌طرفه یا آنوا است که این روش برای مقایسه دو یا چند گروه استفاده می‌شود. پیش فرض‌های این تحلیل شامل: متغیر وابسته باید در سطح فاصله‌ای یا نسبی باشد و همچنین متغیر مستقل (در اینجا محلات مورد مطالعه) باید اسمی یا رتبه‌ای باشد، همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود در هیچ‌یک از ابعاد تعلق مکانی (دلبستگی به مکان، هویت مکانی، وابستگی به مکان و ریشه‌داری) در محدوده مورد مطالعه تفاوتی وجود ندارد و از این نظر با یکدیگر در سطح نسبتاً یکسانی قرار دارند.

براساس جداول ۳ و ۴، تعلق به مکان در سه محله مورد مطالعه در بافت بالا است. این امر ثابت می‌کند بافت تاریخی گرگان از رونق و پویایی برخوردار است و نشان از زنده‌بودن این بافت دارد که لازم است

آپارتمانی) در ایجاد تعلق مکانی وجود دارد و تنها در مؤلفه ریشه‌داری تفاوت معنادار در نوع مسکن مشاهده نمی‌شود.

مستقل استفاده شده است. همان‌گونه که از جدول (۵) مشخص است، تفاوت معناداری تا سطح ۹۹٪ برای دو جامعه از نظر نوع مسکن (مستقل حیاط‌دار و

جدول ۴: نتیجه آزمون آنوا در رابطه با ابعاد تعلق مکانی، منبع: یافته‌های نگارندگان

معناداری	کمیت F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات	شاخص‌ها
۰,۷۴۳	۰,۲۹۷	۰,۷۸۶	۲	۱,۵۷۱	Between Groups	دلبستگی به مکان
		۲,۶۴۳	۱۳۴	۳۵۴,۱۵۲	Within Groups	
			۱۳۶	۳۵۵,۷۲۳	Total	
۰,۲۸۳	۱,۲۷۳	۱,۶۵۴	۲	۳,۳۰۸	Between Groups	هویت مکانی
		۱,۳۰۰	۱۳۴	۱۷۴,۱۵۲	Within Groups	
			۱۳۶	۱۷۷,۴۶۰	Total	
۰,۰۶۸	۲,۷۴۵	۶,۲۳۷	۲	۱۲,۴۷۵	Between Groups	وابستگی به مکان
		۲,۲۷۲	۱۳۴	۳۰۴,۴۵۹	Within Groups	
			۱۳۶	۳۱۶,۹۳۴	Total	
۰,۰۸۳	۲,۵۳۸	۱,۳۸۴	۲	۲,۷۶۹	Between Groups	ریشه‌داری
		۰,۵۴۶	۱۳۴	۷۶,۱۰۰	Within Groups	
			۱۳۶	۷۵,۸۶۹	Total	

جدول ۵: مقایسه ابعاد تعلق مکانی با توجه به نوع مالکیت و نوع مسکن در سه محله مورد مطالعه با آزمون تی مستقل، منبع: یافته‌های نگارندگان

شاخص	مؤلفه	مقدار T	درجه آزادی	ضریب معناداری
دلبستگی به مکان	دلبستگی به مکان	۵,۲۱۲	۱۳۵	۰,۰۰۰
	هویت مکانی	۵,۸۷۹	۱۳۵	۰,۰۰۰
	وابستگی به مکان	۳,۹۰۴	۱۳۵	۰,۰۰۰
	ریشه‌داری	۱,۴۵۱	۱۳۵	۰,۱۴۹
هویت مکانی	دلبستگی به مکان	۲,۷۱۱	۱۳۵	۰,۰۰۸
	هویت مکانی	۴,۹۸۸	۱۳۵	۰,۰۰۰
	وابستگی به مکان	۳,۱۴۵	۱۳۵	۰,۰۰۲
	ریشه‌داری	۰,۶۹۴	۱۳۵	۰,۴۸۹

اقامت در محلات تفاوت دارد و به نظر می‌رسد افرادی که طول مدت اقامت بیشتری داشته‌اند دارای تعلق مکانی بیشتری هستند؛ هرچند که طول مدت اقامت در شاخص ریشه‌داری تأثیر چندانی ندارد.

در رابطه با طول مدت اقامت و تأثیر آن بر ابعاد تعلق مکانی، بر اساس جدول (۶)، در متغیرهای دلبستگی به مکان، هویت مکان و وابستگی به مکان، تفاوت معنادار تا سطح ۹۹٪ به دست آمده به این معنا که میزان متغیرهای تعلق مکانی با توجه به طول

جدول ۶: مقایسه طول مدت اقامت و تأثیر آن بر ابعاد تعلق مکانی در محلات مورد مطالعه با استفاده از تحلیل آنوا (منبع: یافته‌های نگارندگان)

شاخص‌ها	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	کمیت F	معناداری
دلبستگی به مکان	Between Groups	۵۰/۹۶۶	۳	۱۶/۹۸۹	۷/۴۱۴	۰/۰۰۰
	Within Groups	۳۰۴/۷۵۷	۱۳۳	۲/۲۹۱		
	Total	۳۵۵/۷۲۳	۱۳۶			
هویت مکانی	Between Groups	۵۹/۹۶۴	۳	۱۹/۹۸۸	۲۲/۶۲۴	۰/۰۰۰
	Within Groups	۱۱۷/۱۴۹۵	۱۳۳	۰/۸۳۳		
	Total	۱۷۷/۴۶۰	۱۳۶			
وابستگی به مکان	Between Groups	۶۱/۱۳۶	۳	۲۰/۳۸۸	۱۰/۶۰۲	۰/۰۰۰
	Within Groups	۲۵۵/۷۷۰	۱۳۳	۱/۹۲۳		
	Total	۳۱۶/۹۳۴	۱۳۶			
ریشه‌داری	Between Groups	۳/۷۱۴	۳	۱/۲۳۸	۲/۲۸۲	۰/۰۸۲
	Within Groups	۷۳/۱۵۴	۱۳۳	۰/۵۴۳		
	Total	۷۵/۸۶۹	۱۳۶			

در محله سکونت دارند و سایر ساکنان که بین ۵-۱۵، ۱۶-۲۵، و ۲۵ سال به بالا می‌پردازد. همان‌طور که در جدول مشخص است در رابطه با دلبستگی به مکان، این اختلاف چشمگیر فقط بین دو گروه کمتر از ۵ سال ساکن در محله و بیش از ۲۵ سال در محله وجود دارد ولی اختلاف میزان شاخص‌های وابستگی به مکان و هویت مکانی در همه گروه‌های سنی ساکن در محله قابل مشاهده است.

جهت بررسی این‌که کدام‌یک از طول مدت اقامت‌ها با یکدیگر تفاوت دارد از تحلیل تعقیبی شفه استفاده شد. با بررسی جدول (۷) می‌توان دریافت ساکنانی که مدت زمان اقامت کمتری یعنی کمتر از ۵ سال داشتند، تفاوت معنادار از نظر میزان تعلق به محله با افراد با سکونت درازمدت (۱۵ یا ۲۵ سال) دارند. به این ترتیب، جدول ۷ به مقایسه میزان اختلاف میان ابعاد تعلق مکانی در ساکنانی که کمتر از ۵ سال

جدول ۷: تحلیل تعقیبی شفه در رابطه با تأثیر طول مدت اقامت بر تعلق مکانی (منبع: یافته‌های نگارندگان)

متغیر	مدت زمان سکونت (i)	مدت زمان سکونت (j)	اختلاف میانگین	خطا	سطح معناداری
دلبستگی به مکان	کمتر از ۵ سال	۲۵ سال به بالا	-۱,۶۶۴	۰,۳۵۷	۰,۰۰۰
		۵ تا ۱۵ سال	-۰,۷۴۶	۰,۳۵۷	۰,۰۴۲
هویت مکانی	کمتر از ۵ سال	۱۶ تا ۲۵ سال	-۱,۲۲۷	۰,۳۵۲	۰,۰۰۰
		۲۵ سال به بالا	-۱,۷۵۳	۰,۳۶۸	۰,۰۰۰
وابستگی به مکان	کمتر از ۵ سال	۲۵ سال به بالا	-۰,۹۸۸	۰,۲۱۹	۰,۰۰۰
		۵ تا ۱۵ سال	-۱,۵۵۳	۰,۳۸۸	۰,۰۰۲
		۱۶ تا ۲۵ سال	-۱,۴۴۳	۰,۳۹۶	۰,۰۰۶
		۲۵ سال به بالا	-۱,۸۲۸	۰,۳۲۳	۰,۰۰۰

ادامه سکونت در یک مکان می‌شود. رضایت از کالبد محله (وضعیت بهداشت، خدمات و ..) به همراه رضایت از خانه و همسایه‌ها نمونه‌های واضحی از این عوامل هستند. به طور مثال، زمانی که شخصی برای

از برآیند جدول‌های ۶ و ۷ می‌توان دریافت طول مدت اقامت با متغیرهای دلبستگی به مکان، هویت مکان و وابستگی به مکان دارای رابطه مثبت و معنادار است. به‌طور کلی مجموعه عواملی سبب تمایل افراد به

نتیجه‌گیری

براساس مباحث مطرح‌شده، تعلق افراد به محلات را می‌توان حاصل نوعی ارتباط بین فرد با محله و با دیگر ساکنان برداشت نمود؛ این ارتباط می‌تواند در سطح ابتدایی و فقط آشنایی خلاصه شود و گاه می‌تواند در سطوح بالای آن، به صورت نوعی ارتباط عمیق پدیدار شود. در این پژوهش، نخست به ارزیابی میزان تعلق به مکان در سه محله سرچشمه، سبزه‌مشهد و درب نو بافت تاریخی گرگان پرداخته شد که یافته‌ها حاکی از این است که میزان تعلق ساکنان به محله سبزه مشهد با ارزش میانگین (۳۶/۴۳) و با تفاوتی اندک بیشترین مقدار و در محله درب نو (۳۵/۶۷) کمترین مقدار را دارد. در واقع بالا بودن میزان تعلق به محله‌ها نشان‌دهنده میل به استمرار سکونت و تجربه‌های ذهنی بالای افراد در بافت تاریخی گرگان دارد.

در راستای بررسی پرسش اول، مقایسه ابعاد چهارگانه تعلق مکانی می‌توان دریافت دل‌بستگی به مکان با ارزش میانگین ۱۲/۳۸ بالاترین سهم را به خود اختصاص داده و بعد از آن وابستگی به مکان با ارزش میانگین ۱۰/۹۸، ریشه‌داری در مکان با ارزش میانگین ۶/۳۲ و هویت مکان با ارزش میانگین ۶/۲۶ قرار دارند؛ در واقع می‌توان گفت دو بُعد دل‌بستگی به مکان و وابستگی به مکان نقشی مؤثرتر و دو بُعد دیگر نقش کمتری در ایجاد تعلق به محله دارند و همچنین، در سه محله نام‌برده، هر چهار شاخص در سطح تقریباً یکسان قرار دارند. تشابه نسبی می‌تواند به دلیل تشابهت ویژگی‌های کالبدی، سطح فرهنگی و اقتصادی ساکنان سه محله باشد (جدول ۳). در بررسی پرسش دوم، رابطه میان ابعاد تعلق مکانی (به جز شاخص ریشه‌داری) و متغیرهای طول مدت اقامت، مالکیت و نوع مسکن معنادار است. این پژوهش نشان داد افراد صاحب‌خانه، در مقایسه با مستأجرها نسبت به محله خود، احساس تعلق بالاتری دارند؛ همچنین ساکنان خانه‌های مستقل حیاط‌دار تعلق مکانی بیشتری نسبت به آپارتمان‌نشین‌ها داشته‌اند. خانه‌های تاریخی بافت از قدمت بالایی نسبت به

مدت طولانی در مکانی ساکن است که رضایت نسبی میل به ادامه سکونت در آنجا دارد، در طول دوران زندگی خود در آن مکان، ابتدا به خود محله و سپس به همسایه‌ها عادت می‌کند و با آنها آمیخته می‌شود و آن محله به بخش قابل توجهی از هویت وی تبدیل می‌گردد. این مسئله در گذشته بسیار حائز اهمیت بود؛ زیرا افراد در یک محله به دنیا می‌آمدند در آنجا ازدواج می‌کردند و حتی اکثر آنان به جز عده محدودی در همان محله از دنیا می‌رفتند. کما این که بسیاری افراد سالمند خود را متعلق به محله‌ای منحصر به فرد می‌دانند تا یک شهر، به این ترتیب علاقه و دل‌بستگی شدید توأم با احساس مسئولیت نسبت به محله خود داشتند.

در کنار مجموعه عواملی که اقامت طولانی متأثر از آن‌هاست، دیگر عاملی که به تشویق ساکنان به ادامه زندگی در یک خانه و به تبع آن در محله می‌پردازد، مالکیت خانه‌ای است که افراد در آن سکونت دارند. برعکس، مستأجرها گرچه تمایل به ادامه سکونت در محله فعلی هم داشته باشند اغلب موارد شرایط به این گونه مهیا نمی‌شود.

در ارزیابی رابطه بین نوع مسکن و ابعاد تعلق به مکان، می‌توان دریافت ساکنان خانه‌های مستقل حیاط‌دار خود را مالک کل ساختمان می‌دانند و به همان اندازه که برای نظافت فضاهای درونی خانه زمان صرف می‌کنند به نظافت حیاط می‌پردازند. حتی در بسیاری مواقع می‌توان افراد را در حال جارو زدن و شستشوی درب ورودی خانه از کوچه مشاهده کرد که نشان از تعلق، دل‌بستگی و وابستگی ساکنان دارد. در مقابل ساکنان آپارتمان‌ها تنها واحدی که در آن سکونت دارند را متعلق به خود می‌دانند و از فضاهای دیگر چون حیاط کمتر بهره می‌برند مگر برای پارک اتومبیل، حتی کودکان نیز کمتر در حیاط بازی می‌کنند. و گاهی ساکنان از نظافت راهروهای ورودی واحد خود و پرداخت هزینه‌های جاری آپارتمان امتناع می‌ورزند. مجموعه این رفتارها حاکی از این است که میزان وابستگی و دل‌بستگی ساکنان، کاهش یافته و تبعاتی چون عدم احساس مسئولیت و علاقه به نگهداری به همراه دارد.

در پایان می‌توان نتیجه گرفت که با وجود تخلیه غالب ساکنان اصلی بافت در دهه‌های گذشته، ساکنان جدید بافت به علت قدمت بالای سکونت (درصد بالایی از افراد ۲۵ سال سابقه سکونت در بافت دارند) و شکل‌گیری رابطه عاطفی و اجتماعی با ساکنان دیگر باعث شده است تا دلبستگی و وابستگی مکانی بالایی داشته باشند. این دو مؤلفه تعلق، سرمایه اجتماعی ارزشمندی برای توسعه بافت است که با بهسازی و احیاء کالبدی بافت، می‌تواند دو مؤلفه هویت و ریشه‌داری را نیز ارتقاء داد تا این سرمایه اجتماعی حفظ و توسعه یابد.

پیشنهادها

بر مبنای آنچه در یافته‌ها قابل مشاهده است، ساکنانی که بیش از ۲۵ سال ساکن محله هستند میزان تعلق خاطر بالاتری نسبت به ساکنان تازه‌وارد (کمتر از ۵ سال) دارند؛ درواقع با افزایش طول مدت اقامت در محله میزان تعلق محله‌ای نیز ارتقا خواهد یافت؛ لذا با ارائه راهکارهایی می‌توان مردم را تشویق به سکونت بلندمدت در محلات نمود و پیامدهای مثبت آن را مشاهده کرد. تشویق ساکنان به اقامت طولانی‌مدت در محله مستلزم ارتقاء کیفیت محلات، توزیع عادلانه خدمات شهری، ایجاد فضاهای مطلوب جهت گذران اوقات فراغت، ایجاد عوامل هویت‌ساز، تقویت بافت‌های اجتماعی، تنوع کاربری‌ها و توجه به خوانایی محلات است و رضایت ساکنان را در پی دارد. همچنین، از آنجایی که بالا بودن میزان تعلق مکان ساکنان، مربوط به دلایل اجتماعی بوده و خود کالبد و امکانات نامطلوب به نظر می‌رسد، لازم است راهکارهایی در جهت ارتقا کالبد در نظر گرفته شود:

- راه‌اندازی مراکز جذب و خدمت‌رسانی به گردشگر مانند قهوه‌خانه، اقامتگاه و... که می‌تواند ضمن درآمدزایی از مرمت بناهای در حال تخریب استفاده کرد.
- ایجاد کاربری‌های جدید مثل دانشکده‌های معماری و شهرسازی در برگرداندن روح زندگی به درون بافت ضروری است.

آپارتمان‌ها برخوردارند، از طرفی دیگر این آپارتمان‌ها، در برآوردن نیازهای اجتماعی و عاطفی ساکنان ناتوان بوده‌اند.

نتیجه یافته‌ها در رابطه با متغیر مالکیت، همسو با یافته‌های پیشین است؛ مالکان حس تعلق بیشتری به مکان زندگی و محله خود دارند. براساس پژوهش‌های پیشین، انتظار می‌رفت بین تعلق مکانی با طول مدت اقامت رابطه مثبت برقرار باشد که در نتیجه تحلیل‌های صورت گرفته این امر تأیید شد. به‌عنوان مثال، نتودوری (۲۰۰۴)، مشکینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش‌های خود دریافتند که با افزایش طول مدت اقامت، میزان تعلق مکانی ساکنان افزایش می‌یابد. در خصوص رابطه مالکیت مسکن و تعلق مکانی نیز نتیجه این پژوهش با پژوهش بولان (Bolan, 1997) همسو است.

یافته قابل توجه در ابعاد مورد بررسی، پایین بودن میزان هویت مکانی و ریشه‌داری در بین ساکنان است (جدول ۳)؛ به نظر می‌رسد این پدیده برخاسته از این است که این دو مؤلفه، وابسته به مشخصه‌های کالبدی بافت بوده و مؤلفه‌های دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان ناشی از روابط اجتماعی است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که بافت در وجوه کالبدی برخلاف وجوه اجتماعی موفق نبوده است؛ همچنین از نتایج بررسی رابطه تعلق مکانی و عوامل جمعیت‌شناختی می‌توان دریافت، دو عامل مالکیت و نوع مسکن، با دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان و هویت مکان دارای رابطه معنادار است ولی در مؤلفه ریشه‌داری در مکان چنین رابطه‌ای برقرار نیست. در واقع، بالا بودن میزان تعلق مکانی به دلیل تأثیر ویژگی‌های اجتماعی ساکنان بوده است و بستر کالبدی بافت نتوانسته بر تعلق مؤثر باشد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت هویت مکان و ریشه‌داری در مکان با بستر کالبدی بافت، امکانات و تسهیلات موجود در محله ارتباط دارد و دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان به عوامل اجتماعی و دلایلی چون اقامت طولانی‌مدت، مالکیت، روابط بین همسایگی وابسته است.

- استفاده از مراکز مذهبی در ایام غیر از مراسم برای ایجاد فعالیت‌های فرهنگی مرتبط و برگزاری کلاس‌های آموزشی.
- مبلمان شهری متناسب با بافت برای ایجاد مکث یا استراحت برای عابران.
- گسترش فعالیت‌های تجاری و فرهنگی شبانه برای تردد بیشتر در محله و امنیت بیشتر، از جمله این راهکارهاست.
- همچنین، ضرورت دارد تا در پژوهش‌های آتی پیرامون مباحث مرتبط از قبیل پیامدهای مثبت افزایش حس تعلق به مکان و نقش آن در روابط همسایگی، امنیت محلات و رضایت ساکنان، نگهداری و مسئولیت‌پذیری ساکنان پرداخته شود تا راهکارهای چندبعدی ارائه شود.
- پی‌نوشت‌ها:**
1. Place attachment
 2. Place dependence
 3. Place identity
 4. Place belonging
 5. Rootedness
 6. Conative
 7. Affective
 8. Williams, Daniel
 9. Vaske, Jerry
 10. Scannell, Leila
 11. Gifford, Robert
 12. Ramkissoon, Haywantee
 13. T.Mavonda, Felix
 14. Hidalgo, M. Carmen
 15. Hernandez, Bernardo
 16. Lewicka, Maria
 17. Theodori, Gene
- منابع**
۱. پیربابایی، محمدتقی؛ و سجادزاده، حسن. ۱۳۹۰. تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، شماره ۱۶، ص ۱۷-۲۸.
 ۲. جوان‌فروزنده، علی، و مطلبی، قاسم. ۱۳۹۰. مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هویت شهر، شماره ۸، ص ۲۷-۳۷.
 ۳. حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ و تاجی، فروغ‌نگین. ۱۳۹۳. تحلیل کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۹، شماره ۳، ص ۷۵-۸۶.
 ۴. رضویان، محمدتقی؛ شمس پویا، محمدکاظم و ملاتبارلهی، عبدالله. ۱۳۹۳. کیفیت محیط کالبدی و حس مکان، موردشناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران، جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، شماره ۱۰، ص ۸۷-۹۶.
 ۵. رهنما، محمدرحیم و رضوی، محمدمحسن. ۱۳۹۱. بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۲، ص ۲۹-۳۶.
 ۶. زنگنه، یعقوب؛ حسن‌آبادی، سعید؛ روشندل، تکتم و نبی‌پور، رضا. ۱۳۹۳. تأثیر حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزوار، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، شماره ۱۹، ص ۲۸-۱۱۱.
 ۷. فلاحت، محمدصادق و نوحی، سمیرا. ۱۳۹۱. ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۷، شماره ۱، ص ۱۷-۲۵.
 ۸. مشکینی، ابوالفضل؛ قاسمی، اکرم؛ و حمزه نژاد، مهدی. ۱۳۹۳. ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)، فصلنامه علمی- پژوهشی فضای جغرافیا، شماره ۴۸، ص ۲۹-۳۸.
 ۹. نعیمی‌نظم‌آباد، زهرا؛ فرج‌پور، مریم؛ و امیرشقایقی، محمدرضا. ۱۳۹۴. میزان سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافت‌های قدیمی باهمستانهای شهری. نمونه موردی: محله درب نو گرگان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۸، بهار ۹۴.
 ۱۰. وارثی، عامل بافنده، محمدزاده، ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره دوم، ص ۱۷-۳۶.
 ۱۱. وحیدآباد، فریدون و نگینی، سمیه. ۱۳۹۱. ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای، مطالعات شهری، سال دوم، شماره ۲، ص ۳۵-۵۸.
 12. Altman, I. and Low, S. (Eds) 1992. Place Attachment. Human Behavior and Environment, Vol. 12. New York: Plenum Press.

25. Lewicka, M. 2008. Place attachment, Place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology*, 28, 209-231.
26. Lewicka, M. 2010. What makes neighborhood different from home and city? Effect of place scale on Place attachment. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 35-51.
27. Lewicka, M. 2011. Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology*, 31, 207- 230.
28. Orr, D. 1992. *Ecological literacy: Education and the transition to a postmodern world*. Albany, NY: SUNY Press.
29. Ramkissoon, H., and Mavonda, T.F. 2015. The satisfaction- place attachment relationship: Potential mediators and moderators. *Journal of Business Research*, 68, 2593- 2602.
30. Raymond, C. M., Brown, G., and Weber, D. 2010. The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental connections. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 422-434.
31. Rollero, C., and De Piccoli, N. 2010. Place attachment, identification and environment perception: an empirical study. *Journal of Environmental Psychology*, 30(2), 198-205.
32. Scannel, L., and Gifford, R. 2010. Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 1-10.
33. Shabak, M., Nourozi, N., Megat Abdollah, A., and Khan, H.T. 2015. Children's sense of attachment to the residential common open space. *Social and Behavioral Sciences*, 201, 39-48.
34. Theodori, G.L. 2004. Exploring the Association between length of residence and community attachment? A Research note. *Southern Rural Society*, 20, 107-122.
35. Ujang, N. 2012. Place attachment and continuity of urban place identity. *Social and Behavioral Sciences*, 49(6), 156-167.
13. Berry, T. 1996. Ethics and ecology. A paper delivered to the Harvard Seminar on Environmental Values, Harvard University, and April 9, 1996. Retrieved April 23, 2005.
14. Bolan, M. 1997. The mobility experience and neighborhood attachment. *Demography*, 34, 225e237.
15. Brown, B.B., Perkins, D.D., and Brown, G. 2003. Place attachment in a revitalizing neighborhood: Individual and block levels of analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 23, 259e271.
16. Capra, F. 1997. *The web of life*. London: Flamingo.
17. Carson, R. 1962. *Silent spring*. Boston, MA: Houghton Mifflin.
18. Ferreira, I., Johansson, M., Sternudd, C., and Fornara, F. 2016. Transport walking in urban neighborhoods-Impact of perceived neighborhood qualities and emotional relationship. *Landscape and Urban Planning*, 150, 60-69.
19. Hidalgo, M.C., and Hernandez, B. 2001. Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), 273-281.
20. Javan Forozande, Ali and Motallebi, Ghasem, 2012. The role of open spaces in neighborhood attachment (case study: Ekbatan), *International Journal of Architecture and Urban Development*, 3, 11-20.
21. Kyle, G., Graefe, A., and Maning, R. 2005. Testing the dimensionality of place attachment in recreational settings. *Environment and Behavior*, 37(2), 153-177.
22. Lalli, M. 1992. Urban-related Identity: Theory, measurement and empirical findings. *Journal of Environmental Psychology*, 12, 285-303.
23. Lovelock, J. 1987. *Gaia: A new look of life of earth*. NY: Oxford University Press.
24. Lewicka, M. 2005. Ways to make people active: Role of place attachment, cultural capital and neighborhood ties. *Journal of Environmental Psychology*, 4, 381e395.

37. Williams, D.R., and Vaske, J.J. 2003. The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach. *Forset Science*, 49, 830-840.

36. Rena Upitis, 2007. Four Strong Schools: Developing a Sense of Place through School Architecture. *International Journal of Education & the Arts*, Volume 8 Interlude 1, 1-15.